

نگاهی به ظهور و سقوط سلطنت پهلوی

● دکتر صالح پرگاری
عضوهیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی

جلد دوم

جستارهایی از تاریخ معاصر ایران

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

آن دوران در ذهن او نقش بسته بوده است. در ادامه، نقش فروغی در صعود سلطنت پهلوی و فراماسونری او به اجمال آورده شده است.^۴ پس از آن فردوست درباره تسلیم رضاخان، مستترات* رئیس سرویس اطلاعاتی انگلیس در ایران و نقش او در تدارک سلطنت محمد رضا به اجمال سخن رانده است.

فصل اول خاطرات فردوست که «ورود به دربار تا سقوط رضاشاه» نام گرفته با بحث راجع به «فرار رضاخان» و مرگ وی با عنوان «فرجام یک دیکتاتور» به پایان می‌رسد. فردوست در این فصل سعی داشته تا خود را به عنوان تنها دوست شایسته و قابل توجه محمدرضا معرفی کند. به همین علت است که در ماجرای سفر برای تحصیل در سوئیس با وجودی که عباس قره باغی حضور داشت^۵، هیچ یادی از او نمی‌کند. البته این امر به جز جنبه روانی می‌تواند نوعی سیاست برای عدم طرح دیگران و تخفیف بار گناه آنان نیز تلقی شود.

فردوست در انتقال سلطنت از رضاخان به محمدرضا مدعی ایفای یک نقش کلیدی و منحصر به فرد حتی برای دوام سلطنت در خاندان پهلوی است. «دوهفته آخر سلطنت رضاخان من درگیر مسایل بودم که به تعیین سرنوشت بعدی حکومت پهلوی پیوند قطعی داشت. نزدیکی من به ولیعهد و دوستی منحصر به فرد او با من عاملی بود که سبب شد تا در این مقطع حساس نقش رابط او را با مقامات اطلاعاتی انگلستان عهده‌دار شوم. در این روزها من تنها یار محرم و صمیمی محمدرضا بودم...^۶». اما به نظر می‌رسد که در این امر نیز فردوست نقشی فراتر از حد خود برای خویش قائل شده است. زیرا با توجه به اسناد و مدارک منتشر شده از طرف وزارت خارجه انگلیس درباره وقایع شهریور ۱۳۲۰ و خاطرات سردیدر بولارد وزیر مختار انگلیس در ایران در زمان جنگ جهانی دوم مسئله انتقال سلطنت از رضاشاه به محمدرضا شاه در سطوح بالاتری حل و فصل شده و نقش اصلی را در این میان، فروغی به عهده داشته است.^۷

فصل دوم کتاب به وقایع «نخستین سال‌های سلطنت محمدرضا» اختصاص دارد. این بخش شامل نگاهی اجمالی به سلطنت محمدرضا، روزهای نخستین سلطنت وی، سردیدر بولارد و محمدرضا، ملاقات با استالین، احزاب وابسته به دربار، ماجرای مصباح زاده (در این قسمت فردوست شرح مفصلی درباره چگونگی توسعه تشکیلات روزنامه کیهان و رقابت آن با روزنامه اطلاعات می‌دهد)، تاسیس «گارد جاویدان» به دستور محمدرضا توسط خود فردوست، حزب توده (فردوست تنها به تقسیم بندی مراحل برخورد حزب توده و دولت وقت پرداخته است) و... می‌باشد. حوادث آذربایجان، ترور هژیر توسط فدائیان اسلام و شرح ملاقات فردوست با سید حسن امامی (ضارب هژیر) برای تحقیق در صحت و سقم شایعه دخالت رژیم آرا در این ترور، ترور محمدرضا در دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و نقش رژیم آرا در آن، مصدق و محمدرضا و شرح کودتای ۲۸ مرداد به عنوان «آغاز دیکتاتوری ۲۵ ساله» و نقش انگلیسی‌ها در این کودتا و معرفی عناصر مهم کودتا از

تیمور تاش به اروپا و سوئیس، درباره علت مغضوب شدن عبدالحسین تیمورتاش به نکته بدیعی اشاره می‌کند. فردوست با بیان این که تیمورتاش در راه بازگشت به ایران از طریق مسکو، مدارکی را در اختیار روس‌ها قرار داد، همین امر را که توسط انگلیسی‌ها به رضاخان خبر داده شده بود، موجب دستگیری و سپس قتل او دانسته است^۸ در حالی که روزنامه‌های خارجی در همان زمان نوشته بودند که تیمورتاش به علت خیانت به شاه ایران و تماس با شوروی‌ها دستگیر و زندانی شده است^۹، در ایران تبلیغ می‌شد که وی به جرم ارتشاء به زندان افتاده و در آن جا خودکشی کرده است.^{۱۰}

جریان کشف حجاب توسط رضاخان که پس از تنها مسافرتش به ترکیه و آشنایی با سیاست‌های آتانورک به تبعیت از این سیاست‌ها به آن اقدام نمود و قیام مردم مشهد... در صفحات ۶۱-۷۱ خیلی خلاصه بیان شده است. فردوست در این قسمت مطلب تازه‌ای در اختیار نمی‌گذارد. نوشته‌های او تکرار خلاصه مطالب دیگران است. در پایان این بحث فردوست به طرح ترور ناموفق رضاخان توسط شخصی به نام سرهنگ پولادین اشاره کوتاهی می‌نماید.

فردوست در بخش دیگر خاطرات خود طی مباحثی کوتاه، به ارتش و قوای نظامی به عنوان پایه اصلی حکومت رضاخان، دستگاه اطلاعاتی رضاخان، رضاخان و وابستگی او به انگلیس، معرفی واسطه‌های رضاخان و انگلیسی‌ها، روابط رضاخان و روس‌ها و تمایل نهایی رضاخان به آلمان‌ها، واقعه مهم اشغال ایران توسط متفقین، مواضع رضاخان و نمایش «مقاومت» می‌پردازد. این مباحث شرح دیده‌ها و شنیده‌هایی است که از

جلد اول کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی حاوی «خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست» می‌باشد. این خاطرات که به چهار شکل مصاحبه‌های شفاهی، مصاحبه‌های تلویزیونی، دست نوشته‌ها (خاطرات) و اوراق بازجویی طبقه‌بندی شده‌اند، توسط «مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی» تدوین و ویراستاری گردیده‌اند.

جلد دوم شامل مقالاتی تحقیقی است که برای توضیح بیشتر پارهای از مطالب جلد اول با استناد به منابع داخلی و خارجی و یا خاطرات فردوست و ماخذ و اسناد معتبر دیگر، نگاشته شده است. در این پژوهش‌ها بعضاً تفاوت‌هایی در ارزیابی و داوری‌ها با خاطرات فردوست مشاهده می‌شود. مطالعه جلد دوم کتاب در کنار مطالعه جلد اول آن لازم و ضروری است. در جلد دوم ضمن تطبیق خاطرات فردوست با گفته‌ها و نوشته‌های دیگران به بررسی و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

جلد اول کتاب با مطالبی درباره چگونگی راهیابی فردوست به دربار، تحصیل در مدرسه نظام و سپس انتخاب وی برای همراهی ولیعهد و تحصیل در مدرسه «له روزه» و خاطرات اقامت ۵ ساله وی و ولیعهد در سوئیس شروع می‌شود. فردوست درباره ۵ سال اقامت و تحصیل در سوئیس خاطرات زیادی نقل کرده است. او در این بخش از کتاب به ماجرای فرا خوانده شدن مهرپور تیمورتاشی پسر وزیر دربار که به منظور همراهی ولیعهد (محمد رضا) با او به سوئیس رفته بود می‌پردازد. او در قسمت دیگری در ادامه خاطرات خود تحت عنوان «تیمور تاش و شوروی‌ها» پس از توصیف سفر

فردوست درباره علت مغضوب شدن عبدالحسین تیمورتاش به نکته بدیعی اشاره می‌کند. او با بیان اینکه تیمورتاش در راه بازگشت به ایران از طریق مسکو، مدارکی را در اختیار روس‌ها قرار داد، همین امر را که توسط انگلیسی‌ها به رضاخان خبر داده شده بود، موجب دستگیری و سپس قتل او دانسته است

در حالی که روزنامه‌های خارجی در همان زمان نوشته بودند که تیمورتاش به علت خیانت به شاه ایران و تماس با شوروی‌ها دستگیر و زندانی شده است، در ایران، تبلیغ می‌شد که وی به جرم ارتشاء به زندان افتاده و در آن جا خودکشی کرده است.

جمله برادران رشیدیان^{۱۸} و... از حوادث مهمی هستند که فردوست درباره آن‌ها به بحث نشسته است. در فصل سوم با عنوان «شاه دربار و رژیم پهلوی» فردوست نخست به زندگی و مرگ ارنست پرون نقش و اهمیت او در دربار پهلوی و نفوذ و قدرت او در دربار محمدرضا پرداخته است. از مجموع نوشته‌ها و گفته‌های فردوست درباره دوران زندگی و تحصیل در سوئیس و روابطش با ولیعهد در این دوران می‌توان دریافت که ولیعهد تا زمانی که مهرپور تیمورتاش در سوئیس بود، بیشتر با او گرم می‌گرفته و بعد از بازگشت مهرپور به ایران، به تدریج ارنست پرون سوئیس جای او را گرفت و هم صحبت و دوست صمیمی ولیعهد شد و فردوست چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. شاید لحن توأم با حقه و کینه فردوست در خاطراتش بیشتر از همین علت ناشی شده باشد.

پرون فرزند فراش مدرسه «له روزه» بود که ده سال از محمدرضا بزرگتر بود^{۱۹}. فردوست در ادامه مباحث خود، داستان امن پرون به ایران را به اصرار ولیعهد و همچنین برخورد رضاشاه با او شرح داده است. رضاشاه از رابطه صمیمانه بیش از حد او با محمدرضا بسیار نگران بود. با وجود این ماندگار شدن پرون در ایران مایه شگفتی فراوان است^{۲۰}. فردوست به طور میانه آمیزی پرون را یکی از مامورین «سرویس اطلاعاتی انگلیس» دانسته است^{۲۱}. در صورتی که برخی نقش پرون را تا حد یک رابط اطلاعاتی میان محمد رضا و برخی از مقامات انگلیسی تقلیل داده‌اند^{۲۲}. ماروین زونیس می‌نویسد: پرون بیش از بیست سال در تهران مانده و به دسیسه در امور دربار، و در مواردی، احتمالا به نفع انگلیس یا دیگران مشغول بود. ولی در نهایت ارنست پرون هرگز مستقل از شاه عمل نکرد چه بسا مامور بود، ولی مامور خود شاه^{۲۳}. فردوست پس از آن، ضمن بیان چگونگی ازدواج ولیعهد و فوزیه به فرمایشی بودن این ازدواج و دخالت انگلیسی‌ها در این امر که به هدف نزدیک کردن دو رژیم ایران و مصر بود، اشاره می‌کند. قسمت عمده‌ای از این فصل به نقل خاطرات فردوست درباره مسایل خانوادگی، زنان دربار پهلوی، فساد مالی و اختلاس در میان عواملان نظام پهلوی، مافیای مواد مخدر در دربار، ازدواج‌های شاه، شمس و اشرف، رضا شاه و روحیات و همسران او، اختصاص دارد. فردوست ضمن بیان خاطرات خود در مورد ازدواج خواهران شاه، ازدواج شمس و اشرف را ازدواجی فرمایشی و ترتیب داده شده از جانب رضاشاه می‌داند و به نقل نحوه انتخاب فریدون جم و علی قوام برای دامادی خاندان پهلوی پرداخته است. ویراستار کتاب با نقل این موضوع از خاطرات ثریا اسفندیاری - همسر دوم شاه - و کتاب خاطرات و خطرات مخبر السلطنه هدایت، گفته‌های فردوست را مورد تایید قرار داده است^{۲۴}. فردوست از اشرف به عنوان «شیطان» تعبیر کرده است و او را یکی از مهمترین سرچشمه‌های قدرت روانی شاه می‌داند. او سپس نحوه آشنایی و ازدواج محمدرضا را با فرح دیبا و ارتباط خانواده دیبا با دربار پهلوی را بیان می‌کند. داستانی که وی در مورد نحوه آشنایی فرح و محمدرضا نقل کرده به نظر چندان صحیح نمی‌آید، اگر

چه «تمایلات چپی» فرح که فردوست به آن اشاره کرده مورد تایید نویسندگان دیگر نیز می‌باشد^{۲۵}.

داستان مراجعه فرح به «حصارک» - ویلایی که اردشیر زاهدی در آن منتظر شکار زنان و دختران بوده - از فرط استیصال مالی و سپس طرح عدم تمایل اردشیر زاهدی به او و معرفیش به محمدرضا و سپس در خواست عجولانه و بدون تحقیق محمدرضا از وی برای ازدواج^{۲۶} چندان معقول به نظر نمی‌رسد و داستان ساختگی جلوه می‌کند. محمود طلوعی در مورد نحوه آشنایی و معرفی فرح به شاه داستان دیگری را نقل می‌کند: فرح دیبا نخستین بار هنگام تحصیل در پاریس، در مراسم معرفی دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه با شاه آشنا شد و چند ماه بعد هنگامی که برای حل مشکلات تحصیلی خود به اردشیر زاهدی مراجعه کرده بود، توجه شهناز دختر ارشد شاه را به خود جلب کرده و در مهمانی عصرانه‌ای که از طرف شهناز برای آشنایی پدرش با این دختر جوان ترتیب داده شده بود برای بار دوم با شاه ملاقات کرد. شاه فرح را پسندید و یک هفته بعد پس از دیدار دیگری با فرح به او پیشنهاد ازدواج کرد^{۲۷}. آن چه از خاطرات فردوست بر می‌آید این است که فرح به تدریج جای پای خود را در دربار پهلوی محکم کرد. اگر چه همواره میان او و شاه اختلافاتی وجود داشت که ریشه در موارد متعددی داشت.

حسین فردوست، در قسمت دیگر خاطراتش مبحثی تحت عنوان «تهران - پایتخت محمدرضا و مسایل آن»، «تهران و آب‌های زیر زمینی»، «ترافیک تهران و متروی تهران» دارد^{۲۸}.

اما مهمترین بحث سیاسی فردوست در فصل سوم خاطراتش، معرفی برخی از دولتمردان نظام پهلوی است. وی به دلیل آشنایی و ارتباط نزدیکش با هریک از آن‌ها، آگاهی‌های سودمند و قابل تامل در اختیار می‌گذارد. از جمله آنان اسدالله علم و دکتر ایادی می‌باشند. فردوست «ایادی» را «راسپوتین دربار پهلوی» نامیده است و پس از شرح چگونگی راهیابی او به دربار در مورد او می‌نویسد: «پس از مرگ ارنست پرون، تیمسار دکتر عبدالکریم ایادی در دربار محمدرضا همان نقشی را به عهده گرفت که قبلا پرون عهده‌دار آن بود و بحق بیش از پرون به لقب راسپوتین ایران شهرت یافت^{۲۹}». عبدالکریم ایادی پزشک مخصوص شاه بود. فردوست، او را جاسوس مسلم انگلیس می‌داند و می‌نویسد: «ایادی هر اطلاعاتی که لازم بود، کسب می‌کرد و رساندن آن به انگلیسی‌ها هم برایش آسان بود... بنابراین در دوران ایادی، انگلیسی‌ها برای اطلاع از زندگی خصوصی محمدرضا به من احتیاج نداشتند و ارتباطشان با من یا برای کسب خبر بود و یا ایجاد تسهیلات برای کسب خبر که برای من کاملا میسر بود^{۳۰}». فردوست «علم» را مرد قدرتمند دربار پهلوی می‌داند و او را مهمترین فردی می‌داند که در مسایل داخلی کشور، محمدرضا را هدایت می‌کرد و مشاور اصلی و محرم او بود. او در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۶ مقتدرترین چهره دربار محسوب می‌شد. فردوست در خاطرات خود شمهای از جایگاه پلانمناز «علم» را در سیاست داخلی و خارجی سلطنت پهلوی بیان داشته است که برای

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی

جلد اول

خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست

عوسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

به نظر می‌رسد با توجه به اسناد
و مدارک منتشر شده از طرف وزارت
خارج انگلیس درباره وقایع
شهریور ۱۳۲۰ و خاطرات سرریدر بولارد
وزیر مختار انگلیس در ایران در زمان
جنگ جهانی دوم، مسئله انتقال سلطنت
از رضا شاه به محمدرضا شاه در
سطوح بالاتری حل و فصل شده و نقش
اصلی رادر این میان، فروغی به عهده
داشته است.

اگر یک گردان موتوریزه از ارتش به آنها می‌پیوست و با حدود ۵۰۰۰ نفر جمعیت به سمت سعدآباد حرکت می‌کردند، بدون تردید زمانی که این جمعیت به حوالی قلعهک می‌رسید، محمدرضا با هلیکوپتر به فرودگاه می‌رفت. بارفتن او گارد در مقابل مردم تسلیم می‌شد و با این اطلاع محمدرضا با هواپیما ایران را ترک می‌کرد. هم حوادث ۲۵ مرداد ۳۲ و هم حوادث سال ۱۳۵۷ نشان داد که پا به فرار محمدرضا بسیار خوب است. لازمه این کار این بود که در این فاصله سایر مردم واحدهای لشکر یک گارد را سرگرم می‌کردند تا به طرف سعدآباد نروند. موضوع دوم، تعطیل تظاهرات بین ساعت ۱۲ تا ۱۴ بود. اگر تظاهرات سازمان یافته بود و بی‌وقفه تا عصر ادامه می‌یافت، اوپسی* نمی‌توانست گردان‌های خود را مجتمع و مستقر سازد و سیر اوضاع به خلع سلاح واحدهای نظامی می‌انجامید و سبب فرار محمدرضا و سقوط او می‌شد.^{۲۳}

فصل هفتم خاطرات فردوست به ارتباط رژیم پهلوی با ابرقدرت‌ها و کشورهای منطقه اختصاص دارد. فردوست در این فصل جایگاه ایران در راهبرد منطقه‌ای قدرت‌های غربی بویژه آمریکا و انگلستان و موضع محمدرضا در قبال قدرت‌های جهانی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. از نظر او آمریکا و غرب با ایجاد دیکتاتوری محمدرضا هم راه توسعه‌طلبی شوروی را سد کردند و هم نفت ایران را چپاول کردند و هم امنیت شاهراه نفتی جهان غرب را تامین نمودند.^{۲۴}

فردوست در بخش دیگری از این فصل با عنوان «رژیم پهلوی، ابرقدرت‌ها و خاورمیانه» معتقد است که بعد از پیدایش حکومت کمونیستی در روسیه، انگلیس برای حفظ هندوستان و مستعمرات آسیایی خود و جلوگیری از دسترسی شوروی به دریای مدیترانه و خاورمیانه به سه کشور توجه اساسی کرد و یک «کمربند امنیتی» در پیرامون شوروی ایجاد نمود و کمونیسم را به محاصره درآورد. در ایران رضاخان را به قدرت رساند و سلطنت پهلوی را ایجاد کرد، در لهستان مارشال پیلسودسکی* را رئیس جمهور و دیکتاتور نظامی نمود و در ترکیه آتاتورک را سرکار آورد. فردوست برخلاف برخی از محققین که آتاتورک را یک چهره ملی در ترکیه دانسته‌اند، می‌نویسد: از آن جایی که آتاتورک یک نظامی تمام‌عیار بود، در کنار او فردی به نام عصمت اینونو قرار گرفت که در زمان جنگ با یونانی‌ها رئیس ستاد لشکر آتاتورک بود و گویا انگلیسی‌ها او را از همان زمان در کنار آتاتورک قرار داده بودند تا راهنمای وی باشد. تشخیص انگلیسی‌ها این بود که آتاتورک بدون اینونو مرتکب اشتباهات بزرگ خواهد شد. اینونو فرد جسوری نبود اما سیاستمدار زیرکی بود و مغز متفکر آتاتورک محسوب می‌شد. او در زمان آتاتورک بارها نخست وزیر شد و تا مرگ آتاتورک کشور را به نام او اداره می‌کرد. با مرگ آتاتورک، اینونو به جای او رئیس جمهور شد و سال‌ها در این سمت ماند و بعداً به عنوان رهبر حزب «جمهوریت» به نخست‌وزیری رسید. اینونو مدت‌های طولانی پس از آتاتورک زندگی کرد و در تمام این مدت اداره‌کننده واقعی ترکیه بود.^{۲۵}

«انقلاب و سقوط سلطنت» عنوان فصل هشتم و پایانی

شناخت نقش وی در تاریخ معاصر ایران بسیار مفید است. در فصل نهم جلد دوم کتاب (جستارهایی از تاریخ معاصر ایران) توضیحات تکمیلی مفصل با عنوان «علم؛ از امیری قائن تا فرمانروائی ایران» آورده شده است.

فردوست در فصل چهارم خاطرات خود تحت عنوان «رژیم پهلوی، پایگاه جاسوسی غرب» به نقش عمال انگلیس، آمریکا و اسرائیل، فراماسونری، طی نمودن دوره‌های اطلاعاتی خودش در انگلستان، انگلیسی‌ها و تشکیل دفتر ویژه اطلاعات سازمان و تشکیلات سیاه اینتلیجنس سرویس و سازمان برون مرزی اسرائیل در ایران پرداخته است.

کودتای قره‌نه و موضع انگلیس و آمریکا و نقش سر شاپور ریپورتر به عنوان «سر جاسوس غرب» در ایران، از جمله مطالب دیگر این فصل از خاطرات ارتشبد فردوست است. فردوست در خاطرات خود شرح مفصلي درباره نقش شاپورچی در دربار محمدرضا نوشته و چنین وانمود می‌کند که او در تمام تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظامی در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ دست داشته است. وی نقش شاپورچی را بسیار مهم و مؤثر دانسته است. در فصول ۶ و ۷ و ۸ جلد دوم کتاب توضیحات ارزشمندی درباره مطالب فصل چهارم خاطرات فردوست ارائه شده است. «سازمان اطلاعاتی رژیم پهلوی» از رضاخان تا محمدرضا عنوان فصل پنجم خاطرات فردوست است که در آن دستگاه اطلاعات رژیم پهلوی از رضاخان تا محمد رضا، تشکیل «دفتر ویژه اطلاعات»، سازمان و آموزش ساواک و ادارات مختلف آن، سازمان‌های ضد جاسوسی، اطلاعات خارجی و امنیت داخلی ساواک را تشریح نموده است. توضیحات فردوست در این بخش به واسطه تسلط و آشنایی کامل وی بسیار مفصل و درموردی بسیار دقیق است. در بخشی از آن تحت عنوان «بختیار اولین رئیس ساواک» درباره چگونگی اجرای طرح ترور تیمور بختیار، به نقل از قایمتی* می‌گوید نقشه قتل بختیار کاملاً سری بوده و کسی جز شاه و نصیری از آن اطلاع نداشته است. فردوست قتل بختیار را توسط یک افسر تودهای که مورد علاقه شدید بختیار بوده و ساواک به او وعده پول و... داده بود، می‌داند.^{۲۶}

فصل ششم کتاب، درباره «مسائل امنیت داخلی در دوران محمدرضا» به بحث می‌پردازد. «دکترین امنیت‌ملی» پهلوی، «شورای هماهنگی» و مسائل منطقه‌ای، مسئله ارامنه و دانشکسیون، کردستان و کردها، شورش عشایری فارس، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از مباحث مهم این فصل از خاطرات فردوست هستند. فردوست رئوس «دکترین امنیت ملی» را در دوران پهلوی در شانزده محور تشریح نموده است^{۲۷} که ارتش و نیروهای انتظامی و ساواک، شاخه نظامی و هیات دولت و سازمان‌های دولتی شاخه اجرایی آن محسوب می‌شدند. فردوست واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ را چنین تحلیل می‌کند: «تظاهرات ۱۵ خرداد ۴۲، کاملاً سازمان نیافته و از پیش تدارک نشده بود و به همین دلیل ساواک از قبل اطلاعی درباره آن نداشت. اگر تظاهرات قبلاً تدارک می‌شد و دو موضوع در آن رعایت می‌گردید بدون هیچ تردید به سقوط محمدرضا می‌انجامید: اگر تظاهرکنندگان در حد یک گردان موتوریزه مسلح بودند و یا

پژوهش‌های ایرانی

در شماره تازه مجله «پژوهش‌های ایرانی» (f.2, 27 1998, studia Iranica) وابسته به انجمن پیشبرد مطالعات ایرانی، که در هر سال دو شماره آن منتشر می‌شود [برای معرفی آن بنگرید: کتاب ماه، ش ۱۴، ص ۳۳] در بردارنده مقاله‌های زیر است:

1- A. PIRAS, Visio Avestica I. Prolegomena a l'etude des processus visuels dan L' Iran ancien
آ. پیرا: نگرش اوستایی I. دیباچه‌ای برای مطالعه فرآیندهای بصری در ایران باستان.

2- X. TREMBLAY, sur parsui du Farhang-i-oim, ratu-, paratu-, pitu- et quelques autres themes avestiques en -u
- ترمبلی: درباره واژه و parsui در فرهنگ پهلوی اویم؛ ratu-, paratu-, pitu- چند تم اوستایی دیگر با [ستاک]-u.

3- ph. SWENNEN, Une nouvelle tentative de commentaire de la strophe Yt 5.7.....
ف. زونن: تلاشی تازه در تفسیر بند هفتم یشت پنج اوستا [آبان یشت]

4- M. RAHBAR, Decouverte d'un monument d'epoque sassanide a Bandian, Dargaz (Nord Khorassan). Fouilles 1994 et 1995
م. رهبر: کشف بنای ساسانی در «بندیان» در گز (شمال خراسان)، در کاوش‌های ۹۵-۱۹۹۴.

5- ph. GIGNOUX, Les inscriptions en moyen-perse de Bandian.....
ف. ژینیو: کتیبه‌های فارسی میانه‌ی «بندیان» درگز.

6- p. BAKER, Clothed in the faith: the Zoroastrian sudrah and kusti
پ. بیکر: پوشش دینی: سدره و گُستی زردشتی.

7- M. MALRAM, R. GOBL (1919-1997)
م. آلام: یاد رابرت گوپل (۱۹۹۷-۱۹۱۹)
و در بخش پایانی، دو کتاب زیر نقد شده است:
- «پزشکی در زادسپرم» (Die Medizin des zadsparm): کالبدشناسی، فیزیولوژی و روان‌شناسی در کتاب پهلوی ساسانی [گزیده‌های زادسپرم] از فیلیپ ژینیو
- پژوهش‌هایی در سکه‌ها و فرهنگ چاده‌ی ابریشم، به افتخار پروفیسور «ایکو هیرایاما» (Ikuo Hirayama)
برای جشن ۶۵ سالگی‌اش.
[ژ فیلیپ ژینیو]

۴. درباره محمدعلی فروغی و جایگاه او در تاریخ معاصر ایران در جلد دوم کتاب «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» صفحات ۲۹ تا ۴۵ توضیحات نسبتاً مفیدی توسط ویراستار درج شده است.
Alan charles trott*
۵. سولیوان ویلیام: ماموریت در ایران، ترجمه محمود مشرفی، انتشارات هفته، چاپ سوم ۱۳۶۱، ص ۵۴.
۶. فردوست: پیشین، ص ۱۰۰.
۷. طلوعی، محمود: بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست، نشر علم، چاپ چهارم ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۱۱.
۸. در مورد نقش و اهمیت رشیدیان‌ها به عنوان چهارم از اشرافیت اطلاعاتی در تاریخ معاصر ایران در فصل سیزدهم جلد دوم ظهور و سقوط سلطنت پهلوی اطلاعات مفصلی داده شده است.
۹. زونیس ماروین: شکست شاهانه، ملاحظاتی درباره سقوط شاه، ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۲۴۰.
۱۰. همان، ص ۲۴۲.
۱۱. حسین فردوست: پیشین، ص ۴۷.
۱۲. ر. ک. محمود طلوعی: پیشین، ص ۶۳۰؛ زونیس: پیشین، ص ۲۴۲.
۱۳. زونیس: پیشین، ص ۲۴۴.
۱۴. حسین فردوست: پیشین پاورقی صص ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۶۸.
۱۵. محمود طلوعی: پیشین، ص ۶۶۳؛ ویراستار کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی به رفت و آمد فرح دیبا به حوزه‌های حزب توده به از نقل کتاب «کژ راه» نوشته احسان طبری اشاره کرده است.
۱۶. حسین فردوست: پیشین، ص ۱۲.
۱۷. محمود طلوعی: پیشین، ص ۶۶۱؛ احمدعلی مسعود انصاری نیز در کتاب خود در مورد آشنایی فرح و شاه گفته‌های فردوست را نفی می‌کند. ر. ک. احمد علی مسعود انصاری: من و خاندان پهلوی، به کوشش محمد برقی و حسین سرفراز، نشر مهر، ۱۳۷۳، ص ۳۳.
۱۸. حسین فردوست: پیشین، صص ۸۰-۲۷۳.
۱۹. همان، ص ۱۹۹.
۲۰. همان، همانجا.
* ثابتی: مدیر کل اداره سوم ساواک وقت بود.
۲۱. همان، ص ۲۲، ۴۲۱.
۲۲. همان، صص ۸۶-۴۸۳.
* در آن زمان او اوسسی سرلشکر و فرمانده لشکر یک گارد بود.
۲۳. همان، ص ۱۴، ۵۱۳.
۲۴. همان، ص ۵۳۲.
Pilsudski*
۲۵. همان، ص ۵۴۹.
۲۶. کتاب مورد اشاره فردوست «سقوط ۷۹» نوشته «پل اردمن» (Paul Erdman) این کتاب اوایل سال ۱۹۷۷ در آمریکا انتشار یافت و با استقبال عجیبی روبرو شد. این کتاب در آن زمان اجازه انتشار در ایران را نیافت، ولی بعدها در اوایل انقلاب با ترجمه حسین ابوترابیان منتشر شد.
۲۷. کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در مراسم ضیافت شامی که محمد رضاشاه به افتخار او در شب اول ژانویه ۱۹۷۸ ترتیب داده بود؛ از شاه به عنوان رهبر محبوب ملتش نام برد و ایران را یک «جزیره ثبات» در منطقه توصیف کرد؛ ر. ک. ویلیام سولیوان: پیشین، ص ۹۶.
۲۸. حسین فردوست: پیشین، ص ۵۷۳.

خاطرات حسین فردوست است. فردوست در این فصل حوادث پایانی دوران سلطنت محمدرضا و آخرین روزهای شاه در ایران را مورد بررسی قرار داده است. او مقدمه این بخش به تحلیل موقعیت و وضعیت سلطنت محمدرضا در سال ۵۷ می‌پردازد و اوضاع را در سال‌های قبیل از آن، چه برای محمدرضا و چه برای آمریکا و انگلیس کاملاً بر وفق مراد می‌داند و ضمن اشاره به انتشار کتابی که نویسنده آن سقوط محمدرضا را در سال ۱۹۷۹ پیش‌بینی کرده بود^{۲۶} و تأکید بر این نکته که این‌گونه مطالب در آن زمان با ثباتی که حس می‌شد شوخی و تفریحی بیش نبود، آن را به حساب بی‌اطلاعی مطلق سازمان‌های مسئول دولتی، از وقوع قریب‌الوقوع انقلاب در «جزیره ثبات»^{۲۷} (!) منطقی می‌گذارد. سپس از روابط محمدرضا و کارتر و سیاست‌های جدیدی که کارتر به ایران دیکته می‌نمود و بی آن، اوج‌گیری نارضایتی‌ها و... یاد می‌کند و به تحلیل واقعیت‌هایی که محمدرضا آن‌ها را ندیده گرفته [نارضایتی و نفرت عمومی از محمدرضا و رژیم او و نفوذ روحانیت و نقش آیت‌الله خمینی (ره)] می‌پردازد. فردوست بر این نکته تأکید دارد که با شروع و گسترش انقلاب همه مقامات رژیم غافلگیر شدند. او حتی بر این امر تکیه می‌کند که سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا نیز غافلگیر شدند. پس از این مقدمه کوتاه او به نقل وقایع مهم آخرین ماه‌های حیات رژیم پهلوی در ایران می‌پردازد. برکناری هویدا و دولت آموزگار (در پی اتخاذ سیاست‌های جدید آمریکا)، دولت شریف امامی، ارتشبد اژداری و دولت نظامی، نقش آمریکا و انگلیس در این دوره، آخرین روزهای محمدرضا شاه در ایران، فرار شاه و در پایان شرح وقایع ۳۷ روزه دولت بختیار به همراهی ارزیابی دولت وی، دینارها و گفتارها و سرانجام بیان چگونگی سقوط سلطنت پهلوی در ۲۲ بهمن ۵۷ در پی اعلام بی‌طرفی ارتش و فرار بختیار از جمله مباحث عمده و مهم بخش پایانی خاطرات وی هستند.

فردوست درباره امیرعباس هویدا که از بهمن ۱۳۴۳ تا مرداد ۱۳۵۶ مقام نخست وزیر محمدرضا شاه را برعهده داشته خیلی کمتر از آن چه انتظار می‌رود، سخن رانده است. فردوست معتقد است که او مجری کلمه به کلمه دستورات محمدرضا بود. او در مورد علل برکناری هویدا توضیح کافی داده است^{۲۸}. در مورد زندگانی شخصی و سیاسی هویدا و رابطه او با فراماسونری، و شخصیت و رئایل اخلاقی او در فصل پانزدهم جلد دوم «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» توضیحات مفصلی آورده شده است.

فصل نهم و پایانی جلد یک کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی به بازجویی‌های ارتشبد فردوست و جایگاه او در دربار و زندگانی شخصی و مشاغل او و علل باقی ماندن او در ایران و زندگی او پس از انقلاب اختصاص دارد.

پانویس:
۱. فردوست حسین: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ویراستار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات، چاپ سوم؛ پاییز ۱۳۷۰، جلد اول، ص ۵۳.
۲. همان.
۳. ابراهیم خواجه نوری در شرح زندگانی سیاسی تیمورتاش علت اصلی سقوط تیمورتاش را قدرت‌طلبی بیش از حد وی ذکر کرده است و این که رضاخان برای از میان برداشتن او طی محاکمات عاقبت او را به جرم ارتشاء به زندان افکنده و وی در آنجا خودکشی کرده است؛ ر. ک. ابراهیم خواجه نوری: بازیگران عصرطلایی، چاپ جدید انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷، صص ۶۸-۶۰.